

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پردیس بین‌المللی ارس

تجدیدنظر از احکام کیفری در حقوق ایران و انگلیس

نگارش:

محمدامین کاظم‌پور

استاد راهنما:

دکتر محمدجواد فتحی

استاد مشاور:

دکتر سیدمحمدعلی احمدی ابهری

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در
رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

بهمن ۱۳۹۵



پردیس بین‌المللی ارس

باسمه تعالی

گواهی دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد

هیأت داوران پایان‌نامه کارشناسی ارشد ناپیوسته آقای محمدمین کاظم‌پور، به شماره دانشجویی ۱۰۰۳۹۲۵۱۹ در رشته حقوق جزا و جرم شناسی، با عنوان: "تجدید نظر از احکام کیفری در حقوق ایران و انگلیس" را در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۷

با نمره نهایی

عدد	۱۷
حروف	هفده (۱۷)

 و درجه

درجه	خوب
------	-----

 ارزیابی نمود.

ردیف	مشخصات هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر محمدجواد فتحی	دانشیار	دانشگاه تهران	
۲	استاد مشاور	دکتر دکتر سیدمحمدعلی احمدی ابهری	استادیار	-	
۳	استاد داور	دکتر امیرحمزه زینالی	استادیار	-	
۴	نماینده تحصیلات تکمیلی پردیس	دکتر ابراهیم امیری تکلدانی	استاد	دانشگاه تهران	

شماره: ۹۷۷/۲۳۰ ۷۴۲
تاریخ: ۹۸، ۰۸، ۱۲

باسمه تعالی
تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب محمدامین کاظم‌پور، دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، که در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۷ پایان‌نامه خود تحت عنوان: «تجدیدنظر از احکام کیفری در حقوق ایران و انگلیس» با شماره ۱۷ و کسب درجه خوب دفاع کرده‌ام، شرعاً و قانوناً متعهد می‌شوم:

۱. مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل تحقیق و پژوهش اینجانب است و در موارد بهره‌مندی از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران، اعم از رساله، پایان‌نامه، کتاب، مقاله و ... در این نوشته، امانت کامل را رعایت و مطابق مقررات، ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ به ذکر آنها اقدام کرده‌ام.
۲. تمامی یا بخشی از این پایان‌نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک تحصیلی (باین‌تر، هم‌سطح یا بالاتر) ارائه نشده است.
۳. مقالات مستخرج از این پایان‌نامه کاملاً حاصل کار اینجانب بوده است و از هر گونه جعل داده یا تغییر اطلاعات پرهیز کرده‌ام.
۴. از ارسال هم‌زمان یا تکراری مقالات مستخرج از این پایان‌نامه (با بیش از ۳۰٪ هم‌پوشانی) به نشریات یا کنفرانس‌های گوناگون خودداری کرده و می‌کنم.
۵. کلیه حقوق مادی و معنوی حاصل از این پایان‌نامه به پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران تعلق دارد و متعهد می‌شوم هر گونه بهره‌مندی یا نشر دستاوردهای حاصل از این تحقیق، اعم از چاپ کتاب، مقاله، ثبت اختراع و غیره (در زمان دانشجویی یا بعد از فراغت از تحصیل) با کسب اجازه از تیم استادان راهنما و مشاور و همچنین اداره خدمات پژوهشی آن پردیس باشد.
۶. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه تهران از درجه اعتبار ساقط می‌شود و اینجانب هیچ‌گونه ادعایی نخواهم داشت.

محمدامین کاظم‌پور



مدرس
محمدامین کاظم‌پور
۱۳۹۵/۱۱/۲۷

تقدیم می‌کنم این پژوهش را به پدر و مادر مهربانم
که مشوقان اصلی من در تحصیل بوده‌اند

با تشکر فراوان از استادان مهربان

جناب آقای دکتر محمد جواد فتحی، به عنوان استاد راهنما و

حجت الاسلام جناب آقای دکتر سید محمد علی احمدی اهری،

به عنوان استاد مشاور، که در همه مراحل مرایار و یاور بودند

تجدیدنظر از احکام کیفری در حقوق ایران و انگلیس

چکیده

در این پژوهش ضمن مطالعه کتب و مقالات موجود در خصوص تجدیدنظرخواهی، قانون آیین دادرسی کیفری جدید در موارد تجدیدنظرخواهی، مهلت تجدیدنظر و همچنین اشخاصی که می‌توانند تجدیدنظرخواهی کنند، مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت، با نظام کیفری انگلستان مقایسه شد تا از این رهگذر به خلأهای قانونی موجود در قانون آیین دادرسی کشورمان پی برده شود. در ادوار گذشته، تصور بر این بود که قاضی مصون از خطا و لغزش است و حکم صادره توسط وی عین حق و عدالت می‌باشد، ولی امروزه، این اندیشه با ارتقای سطح دانش و آگاهی بشر و به موازات آن، با توسعه علم قضا، اعتبار و صلابت پیشین خود را از دست داده است. از این رو، دیگر جایز نیست فرد بی‌گناه، به گناه ناکرده‌ای گرفتار و مجازات شود. به همین منظور، ضرورت ایجاد نمودن ترتیبی مقرر گردد و مکانیزی در جهت اصلاح بی‌مبالاتی، قصور یا اعمال نظر قاضی ایجاد شود. تجدیدنظر از احکام کیفری امروزه، به عنوان یکی از روش‌های اعتراض به احکام در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا به رسمیت شناخته شده است. نتایج حاصل از بررسی‌های انجام شده در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری جدید، بر خلاف قانون سابق اصل بر قطعیت آرا می‌باشد، مگر در مواردی خاص، که قانونگذار تصریحاً بیان نموده است و همچنین تجدیدنظرخواهی در نظام کیفری ایران در موارد مهلت‌ها و نحوه رسیدگی در دادگاه‌های تجدیدنظر و استیناف با یکدیگر متفاوت هستند و در بررسی تطبیقی نظام قضایی کیفری ایران و انگلیس تفاوت‌هایی مشهود است. از جمله این تفاوت‌ها، می‌توان به تشدید مجازات در مرحله تجدیدنظرخواهی اشاره کرد که بر اساس قوانین تجدیدنظرخواهی در ایران، قاضی حق تشدید رأی بدوی را ندارد، مگر در موارد خاص مصرح در قانون، ولی در دادگاه‌های تجدیدنظر انگلیس، قاضی دادگاه می‌تواند بر اساس نوع جرم، جرایم را افزایش دهد.

واژگان کلیدی: احکام کیفری، تجدیدنظرخواهی، قانون انگلیس، مقایسه تطبیقی.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	فصل اول - کلیات و مفاهیم پژوهش
۳	مبحث اول - کلیات
۳	۱- بیان مسأله
۵	۲- سؤالات تحقیق
۶	۳- فرضیات تحقیق
۶	۴- اهداف تحقیق
۶	الف - هدف اصلی
۶	ب - هدف فرعی
۶	۵- اهمیت و ضرورت تحقیق
۸	۶- پیشینه تحقیق
۱۶	۷- روش تحقیق
۱۶	۸- ساماندهی تحقیق
۱۷	مبحث دوم - شناسایی، مفاهیم و پیشینه
۱۷	مقدمه
۱۷	گفتار اول - شناسایی مفاهیم
۱۷	مفهوم رأی
۱۷	مفهوم اعتراض

۱۸	مفهوم تجدیدنظر
۱۸	مفهوم دادگاه تجدیدنظر
۱۹	مفهوم پژوهش
۱۹	گفتار دوم - تاریخچه
۱۹	دوره اول - دوره پیش از اسلام
۱۹	دوره دوم - دوره اسلامی
۲۰	دوره سوم - دوره قبل از انقلاب اسلامی
۲۱	دوره چهارم - دوره جمهوری اسلامی
۲۴	گفتار سوم - بررسی مفاهیم مشابه
۲۴	مفهوم واخواهی
۲۷	مفهوم فرجام‌خواهی
۲۸	صورت اول - فرجام‌خواهی اصلی
۲۸	صورت دوم - فرجام‌خواهی تبعی
۲۹	صورت سوم - فرجام و طرق فوق‌العاده
۳۰	مراحل فرجام‌خواهی
۳۰	ترتیب رسیدگی در دیوان عالی کشور
۳۱	مهلت فرجام‌خواهی
۳۱	صورت چهارم - فرجام‌خواهی در امور کیفری
۳۵	فصل دوم - مبانی و آثار تجدیدنظرخواهی در حقوق ایران و فرانسه
۳۷	مبحث اول - مبانی
۳۷	مقدمه
۳۷	گفتار اول - مبانی تجدیدنظرخواهی در حقوق ایران

۳۷	بند اول - در فقه امامیه
۴۲	بند دوم - در فقه عامه
۴۳	بند سوم - ماهیت تجدیدنظرخواهی
۴۵	گفتار دوم - مبانی تجدیدنظرخواهی در حقوق انگلیس
۴۷	مبحث دوم - آثار
۴۷	مقدمه
۴۷	گفتار اول - بررسی آثار تجدیدنظرخواهی در حقوق ایران و انگلیس
۴۷	بند اول - اثر انتقالی
۴۸	بند دوم - اثر تعلیقی
۵۰	بند سوم - اثر نسبی
۵۰	گفتار دوم - بررسی آثار تجدیدنظرخواهی در حقوق انگلیس
۵۳	بند اول - تجدیدنظرخواهی در دادگاه جزا
۵۸	بند دوم - تجدیدنظرخواهی در دادگاه انگلیس
۶۱	بند سوم - فرایند رسیدگی دادگاه عالی عدالت
۶۲	بند چهارم - تأثیر هیأت منصفه
۶۷	فصل سوم - شرایط و تشریفات تجدیدنظرخواهی در حقوق ایران و انگلیس
۶۹	مقدمه
۷۰	مبحث اول - شرایط ماهوی
۷۰	گفتار اول - بررسی شرایط تجدیدنظرخواهی
۷۲	بند اول - نحوه رسیدگی
۷۴	بند دوم - آراء قابل تجدیدنظر
۷۶	بند سوم - اشخاص تجدیدنظرکننده

۷۷	بند چهارم - جهات تجدیدنظر خواهی
۷۸	گفتار دوم - نقض یا تأیید آراء
۷۹	بند اول - تأیید رأی
۸۰	بند دوم - نقض حکم و قرار به دلیل نقص تحقیقات
۸۳	بند سوم - نقض به دلیل عدم صلاحیت ذاتی
۸۳	بند چهارم - نقض به دلایل دیگر
۸۴	بند پنجم - نقض بلارجاع
۸۵	مبحث دوم - تشریفات (شرایط شکلی)
۸۵	مقدمه
۸۶	گفتار اول - تشکیلات و نحوه ارجاع پرونده در دادگاه تجدیدنظر
۸۶	بند اول - تشکیلات دادگاه تجدیدنظر
۸۷	بند دوم - نحوه ارجاع
۸۸	بند سوم - مهلت‌ها
۹۳	فصل چهارم - نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۹۵	نتیجه‌گیری
۱۰۰	پیشنهاد
۱۰۳	فهرست منابع و مأخذ

علائم اختصاری

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری	ق. آ. د. د. ع. ا. ک
قانون آیین دادرسی کیفری	ق. آ. د. ک
قانون آیین دادرسی مدنی	ق. آ. د. م
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	ق. ا. ج. ا. ا
قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب	ق. ت. د. ع. ا
قانون موقت اصول محاکمات جزایی	ق. م. ا. م. ج

فصل اول

کلیات و مفاهیم پژوهش

مبحث اول - کلیات

۱- بیان مسأله

مراحل رسیدگی در قانون آیین دادرسی کیفری، نقشی مهم در نگرهبانی از حقوق و آزادی‌های فردی ایفا می‌نماید. به اعتقاد حقوقدانان، نه تنها تعیین جرایم و مجازات‌ها به موجب قانون است، بلکه قلمرو اصل قانونی بودن، تدابیر و ترتیبات دادرسی کیفری از جمله شکایت یا تجدیدنظر از احکام را نیز شامل می‌شود. به همین دلیل، از اصل قانونی بودن حقوق کیفری یاد می‌شود (عینی، ۱۳۸۲، ۹). موضوع تجدیدنظر از احکام صادره از دادگاه‌ها در نظام قضایی کشور جمهوری اسلامی ایران از موضوعات مهم و بحث برانگیز بوده که در ادوار مختلف مورد ملاحظه واقع شده است. اختلاف نظر در قطعی و غیرقابل تجدیدنظر بودن حکم یا جواز تجدیدنظر و نقض آن، علاوه بر آثار مختلفی که نسبت به اصحاب دعوی و کسانی که موضوع حکم قرار گرفته‌اند بوجود آورده است، تشکیلات و سازماندهی سیستم و نهادهای قضایی کشور را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است (مهرپور، ۱۳۶۹: ۴۹).

تجدید نظر در لغت به معنی "در امری یا نوشته‌ای دوباره نظر کردن، آن را مورد بررسی مجدد قرار دادن" است و مفهوم اصطلاحی تجدیدنظر نیز از معنی لغوی آن دور نمی‌شود. در حقیقت، تجدیدنظر دوباره قضاوت کردن امری است که بدو مورد قضاوت قرار گرفته، به عبارت اخیری، تجدیدنظر بازبینی رسیدگی دادگاه بدوی است. در این مرحله دادگاه تجدیدنظر از همان اختیاراتی برخوردار است که دادگاه بدوی دارا بوده است، یعنی هم نسبت به امور موضوعی و هم نسبت به امور حکمی رسیدگی و قضاوت می‌نماید. به عبارت دیگر، در مرحله تجدیدنظر احکام مرجع بدوی هم از حیث شکلی و هم از جهت ماهوی مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد. در نظام قضایی کشور جمهوری اسلامی ایران، که مبتنی بر سیستم قضایی اسلام و در مقام اجرای احکام و مقررات قضایی اسلامی است، اصولاً حکم قاضی قطعی و لازم‌الاجرا است و مرحله دیگری برای رسیدگی مجدد به احکام صادره از سوی محاکم و احياناً نقض حکم اولیه وجود ندارد، جز در موارد معدود و استثنایی که تجدید محاکمه و احياناً نقض حکم را پیش‌بینی نموده است. بنابراین، اصل بر قطعیت حکم صادره و عدم جواز در

تجدیدنظر است؛ مگر در مواردی خاص و به صورت استثناء، که امکان تجدیدنظر را پیش‌بینی نموده است. قوانین و مقررات مربوط به نحوه دادرسی هم که بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسیده، بر همین پایه استوار است، یعنی اصل را بر قطعی بودن حکم استوار نموده و موارد تجدیدنظر به صورت استثنایی بر این اصل وارد شده است.

همانگونه که متعاقباً ملاحظه خواهد شد قوانین مزبور به گونه‌ای وضع شده است که در عمل، اکثر احکام قابلیت تجدیدنظر را دارا می‌باشند. در نظام کیفری انگلستان (کامن‌لا) به جز مواردی نادر، که به زندانیان حق تجدیدنظر در اشتباهات مسلم دادگاه‌ها را داده، اصولاً محکومین جزائی را از حق مراجعه به دادگاه‌های بالاتر برای رسیدگی به احکام دادگاه بدوی محروم کرده بود، در نظام قضایی کامن‌لا حقی به عنوان حق استیناف از احکام جزائی برای محکوم شناخته نشده بود؛ مع‌هذا در سال ۱۸۴۸، بعضی دادگاه‌های کامن‌لا، پژوهش از احکام جزائی را از نقطه نظر انطباق با قانون، مورد بررسی قرار دادند، ولی در هر صورت رسیدگی پژوهشی دعاوی، از نقطه نظر امکان عدم تشخیص مورد قبول واقع نشد؛ تا آن که در سال ۱۹۰۵ (آدولف بک نامی) دو بار به مجازات محکوم گردید و پس از اعمال مجازات درباره او، مشخص شد که این شخص اشتبهاً به جای مجرم واقعی جلب و مورد محاکمه قرار گرفته است و دو بار وی را بی‌دلیل مجازات نموده‌اند. این واقعه اسفناک تاریخی، که مبتنی بر صدور حکمی اشتباه بود، موجب شد دادگاه‌های استیناف جزائی تشکیل شود. به موجب قانون مصوب سال ۱۹۰۷، حق استیناف جزائی برای محکومین شناخته شد. بدین صورت، حق تجدیدنظرخواهی از احکام کیفری در نظام کیفری انگلستان مورد پذیرش واقع شد.

«در مواردی که رأی دادگاه توأم با محکومیت به پرداخت دیه، ارش یا ضرر و زیان است، هر گاه یکی از جنبه‌های مزبور قابل تجدیدنظر یا فرجام باشد، جنبه‌های دیگر رأی نیز به تبع آن، حسب مورد، قابل تجدیدنظر یا فرجام است»^۱.

همچنین در صورتی که طرفین دعوی با توافق کتبی حق تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی خود را ساقط کنند، تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی آنان جز در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی، مسموع نیست.^۲ مهلت درخواست یا دادخواست تجدیدنظر و فرجام برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از

۱. ماده ۴۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲

۲. ماده ۴۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲

کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت واخواهی است.^۱ هر گاه تقاضای تجدیدنظر یا فرجام، خارج از مهلت مقرر تقدیم شود و درخواست‌کننده عذری موجه عنوان کند، دادگاه صادرکننده رأی، ابتدا به عذر او رسیدگی می‌نماید و در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت، قرار رد آن را صادر می‌کند. جهات عذر موجه همان است که در ماده ۱۷۸ این قانون مقرر شده است.^۲

بر اساس ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، جهات تجدیدنظرخواهی به شرح زیر است:

الف - ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه

ب - ادعای مخالف بودن رأی با قانون

پ - ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی یا وجود یکی از جهات رد دادرسی

ت - ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ابرازی

تبصره - اگر تجدیدنظرخواهی به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آید، در صورت وجود جهت دیگر، به آن هم رسیدگی می‌شود.

همچنین طبق ماده ۴۳۵ قانون فوق‌الذکر دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور فقط نسبت به آنچه مورد تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی واقع و نسبت به آن رأی صادر شده است، رسیدگی می‌کند. در این پژوهش تلاش شده است که به مقوله تجدیدنظرخواهی در نظام کیفری ایران و انگلستان پرداخته شود و ضمن بررسی مغایرت‌ها، مشابهت‌ها و رجحان یکی بر دیگری، برای تقویت برتری‌ها و حذف کاستی‌ها پیشنهاداتی را ارائه کند.

۲- سؤالات تحقیق

الف - تجدیدنظرخواهی از احکام کیفری در تمامی موارد در نظام کیفری ایران پذیرفته شده است؟

ب - با توجه به این که تجدیدنظرخواهی یکی از روش‌های دادرسی عادلانه است، در این پژوهش بررسی خواهد شد که تجدیدنظرخواهی در نظام کیفری ایران با تجدیدنظرخواهی در نظام کیفری انگلستان چه

تفاوت‌ها، مشابهت‌ها و برتری‌هایی نسبت به هم دارند؟

۱. ماده ۴۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲

۲. ماده ۴۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲

ج - وجود هیأت منصفه در تجدیدنظرخواهی نظام کیفری ایران تا چه میزان ضرورت دارد؟

۳- فرضیات تحقیق

الف - بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری جدید به نظر می‌رسد بر خلاف قانون آیین دادرسی سابق اصل بر قطعیت آرا است؛ مگر در مواردی خاص که قانونگذار بیان نموده است.

ب - به نظر می‌رسد تجدیدنظرخواهی در نظام کیفری ایران در موارد، مهلت‌ها و نحوه رسیدگی در دادگاه‌های تجدیدنظر و استیناف با یکدیگر متفاوت هستند.

ج - به نظر می‌رسد که در نظام کیفری ایران وجود هیأت منصفه فقط در جرایم سیاسی و مطبوعاتی مخصوصاً در دادگاه بدوی مورد توجه مقنن قرار گرفته است.

۴- اهداف تحقیق

الف - هدف اصلی

در این پژوهش در نظر است ضمن مطالعه کتب و مقالات موجود در خصوص تجدیدنظرخواهی، قانون آیین دادرسی کیفری جدید در موارد تجدیدنظرخواهی، مهلت تجدیدنظر، اشخاصی که می‌توانند تجدیدنظرخواهی کنند، مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت، با نظام کیفری انگلستان مقایسه شود تا از این رهگذر به خلأهای قانونی موجود در قانون آیین دادرسی کشور ایران پی برده شود.

ب - هدف فرعی

با بررسی قانون کیفری دو کشور در امور تجدیدنظرخواهی، سعی بر آن است که اهمیت حضور هیأت منصفه در محاکم مورد ملاحظه و بررسی قرار گیرد؛ به نحوی که آیا وجود هیأت منصفه در دادگاه‌ها ضروری است یا خیر؟

۵- اهمیت و ضرورت تحقیق

فرایند تعیین مجازات و صدور حکم بر محکومیت کیفری یکی از مراحل حساس در فرایند کیفری انگلستان محسوب می‌شود. بدین ترتیب که قضاتی که فرد متهم را محاکمه کرده و مجرمیت او را احراز می‌کنند (مرحله

اول رسیدگی)، همان شخص یا اشخاصی نیستند که نوع و میزان مجازات مجرم را پس از بررسی محتوای پرونده و کسب نظر کارشناسان مختلف تعیین می‌کنند. در واقع، تعیین مجازات، پایان یک فرایند طولانی است، که شامل دستگیری، توقیف یا احضار شخص مظنون می‌شود، این فرآیند (روش) در مقایسه با آیین دادرسی مجری در کشورهایی که از رژیم حقوقی رومی - ژرمنی، پیروی می‌نمایند از ویژگی‌های برجسته آیین دادرسی کیفری انگلستان، که سیستم حقوقی کامن‌لا را اجرا می‌کند محسوب می‌شود.

در کشور جمهوری اسلامی ایران همواره موادی از قانون مورد اختلاف بسیاری از صاحب‌نظران حقوق بوده است. از جمله این موارد مهم، اشتباه قضات در روند رسیدگی و امر به تجدیدنظر از آرا می‌باشد؛ چنانکه روند قانون‌گذاری نیز به خوبی نشان می‌دهد که مقنن چنان که باید ماهیت، ارزش و اعتبار تجدیدنظر را مورد توجه قرار نداده است؛ با آن که این بخش از مقررات بیش از سایر بخش‌ها و در ادوار مختلف دست‌خوش تغییر و تحول شده است، لیکن تا رسیدن به جایگاه واقعی خویش همچنان فاصله زیادی وجود دارد. این تحولات و تغییرات از این جا ناشی می‌شود که گروهی از فقها معتقدند که در فقه و شریعت اسلامی، تجدیدنظر از احکامی که توسط شخص قاضی صادر می‌شود میسر نبوده و این روند را به رسمیت نمی‌شناسند.

در مخالفت با این نظریه و با بررسی‌های انجام شده از منظر حقوق دانان در خصوص تجدیدنظر، ضرورت آن در دنیای امروز به اثبات رسیده و اصول و قواعد کلی حاکم بر آن به صورت استدلالی مورد بررسی قرار گرفته است. از این نظر، بدیهی است که با توجه به شرایط فعلی جامعه ما پیش‌بینی تجدیدنظر به شکلی که در سایر نظام‌های حقوقی که به منظور جلوگیری از تضییع حقوق بزه‌دیده در نظر گرفته شده است، نه تنها با شرع مغایرتی ندارد، بلکه هم‌سو با اهداف کلی شریعت نیز قرار دارد، تجدیدنظر و اعتراض به آرا و احکام قضایی و امکان اشتباه قاضی در صدور رأی، باعث شد تا پژوهش‌ها و مقالات زیادی در این باره صورت بگیرد و به نقد و بررسی احکام تجدیدنظرخواهی پرداخته شود تا آنجا که قانونگذار با امعان نظر انتقادات و توجه به نظرات صاحب‌نظران و حقوقدانان در تدوین قانون آیین دادرسی، مصوب سال ۱۳۹۲، ضرورت امر تجدیدنظرخواهی را درک و اصل را بر تجدیدنظرخواهی قرار داده است.

در این پژوهش با بررسی و مطالعه تطبیقی تجدیدنظر در نظام کیفری ایران و انگلستان سعی شده است تا معایب و خلأهای قانونی تجدیدنظر نیز آشکار شود.

۶- پیشینه تحقیق

الف - اصغر جلالیان، در سال ۱۳۹۲، مقاله‌ای با عنوان "مطالعه تطبیقی ساختار، ماهیت و وظایف هیأت منصفه در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس در مجله پژوهش‌های علوم انسانی" به رشته تحریر در آورد، نتایج تحقیق حاکی از آن است که: هیأت منصفه افرادی هستند که دعوت شده‌اند تا درباره صحت و سقم اعمال منتسب به متهم، در جریان دادرسی اظهار نظر نمایند. در حقوق کشور ما، هیأت منصفه در جرایم مطبوعاتی حداقل با حضور هفت نفر از اعضا رسمیت دارد و می‌تواند بدون نیاز به استدلال و توجیه حقوقی و استناد قانونی، در تعیین سرنوشت دعوی، تصمیم‌گیری کنند. فلسفه ایجاد هیأت منصفه که نماینده افکار عمومی هستند آن است که بهتر می‌توانند در مورد جرایم مطروحه اظهار نظر کنند که آیا انتشار خبر یا مطلبی خاص، سوء استفاده از آزادی و در نتیجه جرم محسوب می‌شود یا صرفاً عمل به وظیفه بوده یا یک انتقاد بوده و جرم نیست و هیأت منصفه یک نهاد حقوقی اجتماعی است که هم دارای سابقه اسلامی و هم محتوای فقهی دارد و برای تأمین حقوق و آزادی شهروندان و حراست آن از تعرض دیگران به عنوان نماینده افکار عمومی نقش داشته و یکی از راههای استقرار عدالت می‌باشد که می‌تواند در خصوص تخفیف مجازات یا عدم استحقاق وی اظهار نظر کند.

ب - سیدروح‌الله قاسم‌زاده و دیگر همکارانشان در سال ۱۳۹۰، مقاله‌ای با عنوان "جریمه‌های قضایی و شروط جزایی در حقوق انگلیس" مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی به رشته تحریر در آوردند و نتایج حاصل حکایت از آن دارد که: در حقوق انگلیس، جریمه‌های قضایی (شامل خسارات اسمی، خسارات تنبیهی و خسارات شدید) اثری تنبیهی و ماهیتی غیرترمیمی دارند. کامن‌لای انگلیس، بر خلاف حقوق ایران، مرز قاطعی بین وجه التزام و شروط جزایی ترسیم و شروط اخیر را باطل اعلام کرده است و مشروطاً تنها می‌تواند خسارات واقعی وارد را مطالبه کند. مهمترین دلیل بطلان این شروط آن است که طرفین قرارداد نمی‌توانند یکدیگر را مجازات کنند. در مقاله حاضر، نویسندگان درصدد تحلیل ماهیت، موجبات و شرایط جریمه‌های قضایی و شروط جزایی برآمده و مهمترین معیارهای تفکیک شروط کیفری از وجه التزام و سایر عناوین مشابه را مورد بررسی قرار داده‌اند. قابل ذکر است که نویسندگان همچنین موضع حقوق ایران را در خصوص جریمه قضایی و شرط جزایی مورد بررسی قرار داده و در پایان نتیجه گرفته‌اند که در حال حاضر